

Nationalism in the Opinion and Works of Afrasiab Azad

**Amir Mohammad
Ahmadzadeh***

Associate Professor, Department of History, Institute of Humanities & Cultural Studies, Tehran, Iran.

**Farhad
Baradarshad**

PhD Student, Department of Revolutionary History, Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution, Tehran, Iran.

Abstract

During the constitutional period changes, a new force emerged that and played an important role in the awakening of the people, familiarization with the West, and the publishing of the press, and also thought for a way out of the upcoming deadlocks. Iranian intellectuals came to understand Iran's backwardness through familiarity with the ideas of the new world, and by proposing and publishing new issues in Iranian society, they established different poles of thought that led to the mixing and even opposition of tradition and modernity. The epistemology of the reforms and the explanation of this new reading from thought to the fulfillment of an important precondition is stopped, and that is the knowledge of intellectuals and the fundamental components of their thought. This research, with a thought-oriented approach and documentary content analysis method, deals with the purposeful rereading of the works of Afrasiab Azad, the founder of Hezb Khuda and a traditionalist intellectual of the constitutional and Pahlavi periods, and by evaluating it through the logic of Skinner's contextual approach, In search of an answer to this central question, how is the position of nationalism in the works of Afrasiab Azad and its metamorphosis compared to his contemporaries and contemporaries, and how does this flow contribute to the establishment of the Pahlavi government? Free thoughts are evaluated in the context of the modernist thought of contemporary thinkers.

The documents of Afrasiab Azad are available in the sources of purchase documents and in the form of about a thousand files in the

* Corresponding Author: M.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

How to Cite: Ahmadzadeh, M. A., & Baradar shad, F. (2023). Nationalism in the Opinion and Works of Afrasiab Azad. *State Studies*, 9(35), 259-290. doi: 10.22054/tssq.2023.65592.1196

repository of documents and national archives. A small number of documents attributed to Afrasiab Azad are available in the Library of the Islamic Council and the Astan Quds Razavi Document Center and have been indexed. An autopsy of a political gathering related to the bread riot in December 1942/Azar 1321 in Tehran has quoted an article about Afrasiab Azad's speech in this context. He has also mentioned the effect of modernization and de-religion in the chapter of westernized plays in relation to the conditions of this art in the first Pahlavi period and the important role of Afrasiab Azad as one of the initiators of the play. The purpose of this study is to put Azad's key concepts in the cultural and discourse contexts from which they were formed with Skinner's method, so that the advantage and validity of his thought can be put to the test. The aim of Skinner's methodology is to enable us to recover the historical identity and genealogy of each such intellectual history text. The guide to the content analysis of the data in this research based on this approach is, on the one hand, the internal logic of the intellectuals' thought system as a whole and a text, and on the other hand, measuring it with the external logic and comparing it with contemporary publications and press - including the magazine *Iranshahr*, *Kaveh* and *Aindeh* - will take place and the focal point is to pay attention to the recognition of opinions and goals, ideas and the thought system of Afrasiab Azad.


The findings of the research aim to prove the hypothesis that the association of intellectuals from the intellectual spectrum of Afrasiab Azad led to the expansion of the acceptance of the discourse of authoritarian nationalism and the theorization of the legitimacy of the first Pahlavi government. With the reduction of modern components in the eyes of Azad in the atmosphere of political and intellectual obstruction of the Reza Shahi era, his influential social and political positions declined. In his works and publications, Afrasiab Azad was introduced as an orator, a freedom-seeker and a modernist of the post-constitutional era, who was later introduced as a writer, lawyer and playwright of the political and social genre. He used the ideas of modernism in his opinions to seek transformation along with the tradition and he believed in a form of moderate or reductionist modernism, which at the same time accepted the new concepts of antiquity and nationalism, and religion as well. He saw the base of social mobility and ethnic solidarity in the special political and social conditions of the post-constitutional period. This approach was interpreted and propagated in the service of authoritarian nationalism at the level of the government superstructure and the national unity of

ethnicities and religions at the level of the people and the subalterns in order to gain legitimacy. Gradually, the modern ideas were transformed in his opinions and works and with the establishment of Pahlavi I, he only focused on describing and theorizing the existing conditions and the failure of the primary elements. The reduction and transformation of these ideas and accompanying the first Pahlavi government by Afrasiab Azad during the political and intellectual blockage of the Reza Shahi era, turned him into a messenger of the government's official discourse and led to the loss of his influential social and political base and the decline of his role. In the society of writers, a new idea was created.


Keywords: Afrasiab Azad, Modernism, Authoritarian Nationalism, National League.



ناسیونالیسم در اندیشه و آثار افراسیاب آزاد

امیرمحمد احمدزاده  * دانشیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

دکتری تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

فرهاد برادرشاد 

چکیده

در هنگامه تحولات دوره مشروطه، نیروی جدیدی ظهور کرد که هم در بیداری مردم، آشنایی با غرب و نشر مطبوعات نقش داشت و هم برای برون رفت از بن بست‌های پیش‌رو اندیشه داشت. روشنفکران ایرانی از طریق آشنایی با اندیشه‌های دنیای جدید به درک عقب‌ماندگی ایران نائل آمده و با طرح و نشر مسائل جدید در جامعه ایران، قطب‌های مختلف فکری را بنیان نهادند که به آمیزش و حتی تقابل سنت و تجدد انجامید. شناخت‌شناسی اصلاحات و تشریح این خوانش جدید از اندیشه به تحقق پیش‌شرطی مهم متوقف است و آن شناخت روشنفکران و مؤلفه‌های بنیادی اندیشه ایشان است. این پژوهش، با رویکرد اندیشه‌نگر و روش تحلیل محتوای اسنادی به بازخوانی نیت مند آثار افراسیاب آزاد، مؤسس حزب خدا و روشنفکر سنت‌گرای دوره مشروطه و پهلوی می‌پردازد و با سنجش آن از طریق منطق رهیافت زمینه‌گرای اسکینر، در پی پاسخ به این پرسش محوری است که جایگاه ناسیونالیسم در آثار افراسیاب آزاد و دگرذیسی آن در قیاس با همفکران و هم‌عصرانش چگونه برآورد می‌شود و این جریان چه کمکی به استقرار دولت پهلوی می‌کند. اندیشه‌های آزاد، در متن اندیشه نوگرایی متفکران هم‌عصرش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش درصدد اثبات این فرضیه است که همراهی روشنفکرانی از طیف فکری افراسیاب آزاد منجر به گسترش پذیرش گفتمان ناسیونالیسم اقتدارگرا و تئوریزه شدن مشروعیت دولت پهلوی اول گردید. با تقلیل در مؤلفه‌های متجددانه در نزد آزاد در فضای انسداد سیاسی و فکری عصر رضاشاهی، مواضع اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار وی افول کرد.

واژگان کلیدی: افراسیاب آزاد، تجددخواهی، ناسیونالیسم اقتدارگرا، اتحاد ملی.

مقدمه

مروری بر گزارش رخدادهای سیاسی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ق. تا سقوط قاجار و شرایط به قدرت رسیدن پهلوی اول، نکات درخور توجهی را معلوم می‌سازد. نخست اینکه اولویت‌های اصلاحات و ترقی کشور برای گروه‌های مختلف سیاسی با بینش‌های مختلف تغییر کرد و گروه‌بندی‌ها و گرایش‌های سیاسی دستخوش تغییرات گردید. اداره امور جامعه توسط دیوان‌سالاری قدیمی چندان به مذاق انقلابی‌ها و وطن‌خواهان عصر خوش نیامد و به مرور نزاع جدیدی پا گرفت؛ از یک‌سو عناصر قدیمی دیوان‌سالاری قرار داشتند که مراتب عالیه کشور به صورت موروثی به خود اختصاص داده بودند و از سوی دیگر نیروهای جوان برآمده از دل انقلاب مشروطیت قرار داشتند. آن‌ها از وضعیت بی‌سامان موجود ناخرسند و نگران بودند و ریشه مشکلات را در چرخه معیوب حکومت‌گری و حکومتگران نامتجانس با نظام جدید و اشرافیت کهنه‌ای می‌دانستند که بر نظام سیاسی و ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور چنگ انداخته بودند. از نظر این گروه، ایرانیان برای رسیدن به سرمنزل مقصود، نیازمند مردانی نو و دولتی نو بودند. از این رو، خواهان ایجاد دگرگونی عمیق، همه‌جانبه و شتابان بودند.

شناخت‌شناسی اصلاحات این دوره از ایران به تحقق پیش‌شرطی مهم متوقف است و آن شناخت مردان و صاحب‌نظران مسئله مربوطه است که می‌تواند به روشن شدن ابهامات این برهه از تاریخ مه‌آلود ایران کمک شایانی کند. شناخت مؤلفه‌های روشنفکری افراسیاب آزاد به نوعی چهره زمانه نخبگان و روشنفکران عصر پایان سلطنت قاجار و ابتدای پهلوی را به روشنی نشان می‌دهد. بسیاری از مؤلفه‌های تجددخواهی افراسیاب آزاد برگرفته از گفتمان آن دوره و شرایط زمانه بود. این مطالعه صرفاً توصیف‌گفت‌وشنود اندیشه آزاد در نشریات و نوشته‌های وی نیست، بلکه استمرار تبادل و تقویت اندیشه نوگرا بین متفکران هم‌عصر و پیش از وی را نیز تداعی می‌کند. نکته درخور توجه مرتبط با فعالان حوزه نوگرایی در این دوره از تاریخ ایران این است که نویسندگان، روشنفکران و بزرگانی چون ملک‌خان، آقاخان کرمانی، میرزا عبدالرحیم طالبوف، بهار یا میرزاده عشقی و دیگران و بسامد آثار ایشان و

همچنین توجه مطبوعات و پژوهش‌های تاریخی به این شخصیت‌ها، عرصه را برای بازساخت مردان و صاحب‌نظرانی که در صف دوم این تجددخواهی بودند و تلاش‌های زیادی در استقرار و تبلیغ این نظم نوین در کشور داشتند، بسیار تنگ کرده است. در همین راستا، این پژوهش سعی می‌کند مؤلفه ملی‌گرایی در مطبوعات و حزب منتسب به افراسیاب آزاد را همگام با دیگر نشریات هم‌عصر و هم‌عقیده در رویکرد ناسیونالیسم تجددخواه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

بررسی تحولات سیاسی دوران یادشده مؤید این است که تجددخواهان و ناسیونالیست‌های رادیکال بودند که به تدریج عرصه سیاست را برای محافظه‌کاران و دیگران تنگ کردند و آن‌ها را به حاشیه راندند. بررسی تحولات عینی، شناخت افراد و گروه‌های سیاسی با شناخت دگرگونی در عرصه اندیشه و فکر پیوند داشت و ارتباط دیالکتیکی بین عرصه‌های عینی و ذهنی، بروز این تحولات را ممکن و میسر می‌ساخت.

پیشینه پژوهش

شخصیت تاریخی افراسیاب آزاد در منابع تاریخی دوره معاصر و تحقیقات جدید تقریباً خاموش است. احتمالاً بخشی از این امتناع به علت در دست نبودن اسناد مستدل در این رابطه باشد. این پژوهش برای اولین بار به تحلیل مؤلفه‌های روشنفکری وی می‌پردازد و در این راه تقریباً به‌طور کامل بر نوشته‌ها، نشریات، نمایشنامه‌ها و اشعار ایشان متکی است. لازم به توضیح است که اسناد افراسیاب آزاد در منشأ اسناد خریداری و در قالب حدود هزار پرونده در مخازن گنجینه اسناد و آرشیو ملی موجودند. تعداد هرچند معدودی از اسناد منتسب به افراسیاب آزاد در مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی موجود و فهرست‌نویسی اولیه شده‌اند. مقاله کالبدشکافی یک تجمع سیاسی مربوط به بلوای نان در دسامبر ۱۹۴۲ / آذر ۱۳۲۱ در تهران مطلبی درباره سخنرانی افراسیاب آزاد در این زمینه نقل کرده است. اثر *تجدد و دین زدایی* نیز در فصل نمایشنامه‌های غرب‌زده در رابطه با شرایط این هنر در دوره پهلوی اول و نقش بااهمیت افراسیاب آزاد به‌عنوان یکی از آغازگران نمایش ذکر کرده است.

مبحث نظری و روش‌شناسی پژوهش

یکی از فن‌های مربوط به تفسیر اسناد و مطبوعات، تحلیل محتوا است. «تحلیل محتوای اسنادی» آرا و آثار افراسیاب آزاد، وجه عمل این پژوهش قرار گرفته است. روش تحلیل اسنادی به کلیه متدهایی گفته می‌شود که هدف پژوهش با مطالعه و آنالیز اسناد، نشریات و متون برآورده می‌شود (شیری و عظیمی، ۱۳۸۳: ۸۰). به سخن دیگر، تحلیل محتوا «فنی است که به کمک آن، ویژگی‌های خاص پیام‌های متون را به‌طور نظام‌یافته و عینی مورد شناسایی قرار می‌دهند» (فرانکفورد و نجمیاس، ۱۳۹۰: ۴۶۹) و می‌توان آن را درباره متون از جمله آثار ادبی، اسناد، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و... به کار بست. در هر گونه از منابع یا مدارک، رویکرد محقق برای تحلیل محتوا ممکن است خاص همان منابع باشد. داده‌های اخذشده باید عادت‌های فکری، وضعیت و شرایط ارزشی و معنوی، اندیشه، افکار دریافتی و همه آنچه هم چون پرده یا صافی میان وقایع و کاتب و نیز میان حقیقت و برداشت از حقیقت قرار گرفته است، استخراج و تحلیل گردد (ساماران، ۱۳۷۰: ۱۳۸/۲). رهیافت موردنظر «زمینه‌گرایی اسکینر»^۱ در زمینه بسط روشمند تحلیل محتوای منابع در دسترس پژوهش، ابزاری مفید شناخته شده است. راهنمای تحلیل محتوایی داده‌ها در این پژوهش بر مبنای این رهیافت از یک سو منطق درونی نظام اندیشگی روشنفکران به‌مثابه یک کل و یک متن است و در سوی دیگر سنجش آن با منطق بیرونی و مقایسه با نشریات و مطبوعات هم‌زمان - از جمله مجله ایرانشهر، کاوه و آینده - صورت می‌پذیرد و نقطه کانونی، توجه به شناخت آرا و اهداف، اندیشه‌ها و نظام اندیشه‌ای افراسیاب آزاد است.

نظریه اسکینر به‌ویژه در بررسی اندیشه‌ها و آرای متفکران به‌مثابه ابزاری راهگشاست. وی مجموعه‌ای از ابزارهای تحلیلی و تفسیری را جهت تأمین این نیاز ابداع و فراهم نموده است. روش تحقیقی است که در طیف گسترده‌ای از علوم اجتماعی و علوم انسانی کاربرد دارد (تولی، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۸). اسکینر معتقد است که برای تفسیر و دریافت معنای متن، فهم نیت مؤلف لازم است. این نظریه، متن و حتی هر عبارت متنی را به‌عنوان تجسم یک عمل

1. Quentin Skinner.

مفاهمه‌ای یا ارتباطی قصد شونده در نظر می‌گیرد که مؤلف از طریق آن می‌خواهد با خوانندگان و مخاطبان ارتباط برقرار کرده و بدین طریق قصد خود را محقق سازد. برای فهم معنای متن، بایستی، دیگر از درون آن متن خارج شده و به رابطه میان متن و خالق متن، متوجه باشد و برای شناخت این رابطه، بایستی فضای گفتمانی و ارتباطی‌ای که متن در آن فضا خلق شده را بازسازی و بازآفرینی نمود. این نیت نیز صرفاً عملی ذهنی نیست، بلکه کنشی اجتماعی محسوب می‌شود که در زبان عصر مؤلف عینیت می‌یابد. برای درک نیت مؤلف علاوه بر شناخت زبان و مفاهیم معانی، شناخت زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و فکری زمانی و مکانی وی نیز لازم است (روشن، ۱۳۸۷: ۱۱) که وجهه عمل این مطالعه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، سعی گردیده است که مفاهیم کلیدی آزاد را در زمینه‌های فرهنگی و گفتمانی که از آن شکل گرفته‌اند، قرار داده شوند تا مزیت و اعتبار اندیشه وی به بوت‌آزمایش گذاشته شود. آرمان روش‌شناسی اسکینری این است که ما را قادر سازد تا هویت تاریخی و تبارشناسی یکایک چنین متون تاریخ اندیشه‌ای را، بازیابی کنیم (حاتمی، ۱۳۹۸: ۴۶).

زندگی افراسیاب آزاد

افراسیاب آزاد، فعال سیاسی، وکیل دعاوی، روزنامه‌نگار و شاعر، نمایشنامه‌نویس و البته در برهه‌ای از عمر خود کاربردست دولتی در دستگاه پهلوی بود. سال تولد وی چندان مشخص نیست، ولی در یکی از اشعارش که مربوط به واقعه انقلاب شاه و مردم (۱۳۴۱.ش) است، سن وی را بیش از هفتادسال بیان می‌شود. ۱۰ بر این اساس، تحقیقاً می‌توان سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۱ شمسی را زمان تولد ایشان معرفی کرد. پس از این زمان، در جریان اعتراضات به قرارداد ایران و انگلستان، مشهور به قرارداد ۱۹۱۹ در دوره نخست‌وزیری وثوق‌الدوله، افراسیاب آزاد به همراه حاج حسین امین‌الضرب، ضیاء‌الواعظین، فرخی یزدی، میرزاده عشقی و جمعی دیگر به علت مخالفت با آن زندانی شدند. وی که در بحبوحه جریان مشروطه و استبداد صغیر در

سنین جوانی بود در پی تشدید بحران‌های سیاسی و ناکامی‌های که طی سالیان مشروطه و پس از آن پدیدار گشت زمینه غلبه نگرش‌های افراطی و رادیکالیستی و آرمانی در رابطه با نوسازی ایران و پروژه هویت‌سازی ملت در وی ایجاد گشت و به جرگه افراد تحول‌خواهان پیوست. آزاد در دوره‌های مختلف به دلیل حضور در برخی تجمعات، دستگیر و روانه زندان شد یا حتی از سوی کمیته انتقام تهدید به قتل گردید. ۱۰ در بلوا و قحطی نان بعد جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در تهران و کشور «افراسیاب آزاد سردبیر روزنامه نامه آزاد برای جمعیت سخنرانی کرد و خواستار استعفای قوام شد» (مک‌فارلند، ۱۳۸۳: ۲۰). از جمله در طی یکی از این دستگیری‌ها، میرزاده عشقی، از فعالین سیاسی و دوستان وی برای رهایی وی تلاش‌های متعددی کرده است. ۲. در نوشته‌های به‌جامانده از وی، خود را حامی شاه جوان (محمدرضا پهلوی) معرفی می‌کند و در دستگاه وی به ریاست اداره اوقاف و معارف اشرف می‌رسد. در این دوران در کنار وکالت دعاوی، برای نشریات مختلف مطالب و مقالاتی می‌نوشت. در روز شنبه، دوم جمادی‌الاولی سال ۱۳۰۳ شمسی اولین شماره از نشریه خود با عنوان نامه آزاد- در ساختمان مؤسسه آزادی- منتشر کرد که به صورت هفته‌نامه در دسترس مردم قرار می‌گرفت و مرام‌نامه خود و همفکرانش را در آن منتشر کرد: ۱). مرام‌نامه نشریه نامه آزاد در شماره نخستین چنین توصیف شده است: ۱. تحلیل سیاست روز که سعی داشت اوضاع جهان و ایران را توصیف کند و اگر انحرافی در حکومت‌داری ببیند، به آن پردازد. افراسیاب آزاد خود را حامی یا وابسته به هیچ دسته و حزبی نمی‌دانست. ۲. بخش علوم و فنون، که مقالات علمی در حوزه اقتصاد ارائه یا ترجمه می‌کرد. مؤسسه آزادی هر شب در محل ساختمان مؤسسه برای عموم افراد سخنرانی و کلاس‌های مختلفی برای تعلیمات عمومی مردم دایر می‌کرد. ۳. دو قسمت اجرای قوانین و تنقید آن و مشروح مذاکرات مجلس ملی اهمیت زیادی دارد. ندای قانون‌طلبی و آزادی در این بخش رساتر و انتقاد به اجرای برخی قوانین، محققان را به این حوزه مطالعات تاریخی آشناتر می‌کند. طرفه آن که آزاد خود سعی

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۹/۳۲۵۷۱.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۹/۳۲۲۷۳.

می‌کرد برخی از قوانین که عامه‌فهم نبودند، تفسیر و تشریح کند (نامه آزاد، سال اول، ش اول). یکی از نشریاتی هم عصر با نامه آزاد که به‌مانند افراسیاب آزاد نشر رساله و مطبوعات مجانی، انجام سخنرانی و توزیع کتب را در راستای همراه‌سازی اندیشه توده مردم و بیدار کردن ملیت و «روح ملی» ایرانیان با اهمیت می‌دانست، مجله/یرانشهر کاظم‌زاده بود و در این زمینه با نشریه آزاد هم‌فکر بود (کاظم‌زاده، سال دوم، شماره ۴: ۸۴). نشریه کاوه که هم‌زمان با نامه آزاد منتشر می‌شد نیز نجات ایران و تمدن و ترقی آن را در گرو «تعلیم عمومی» می‌داند و آن را هزار مرتبه از اصلاحات سیاسی و دولتی مهم‌تر می‌شمارد و آن را «بهترین و واجب‌ترین کل مقاصد ملی» می‌شناخت (کاوه، سال دوم، شماره اول: ۱-۴) ۳. مدیریت مجلس، برنامه‌ریزی و شناخت برخی اقوال نمایندگان مجلس و شخصیت‌های مورد بحث از محاسن این بخش از نشریه است. ۴. بخش دینی و مذهبی که مقالات و بیانیه‌های آزاد در این بخش به‌نوعی روشنفکری دینی اعتقاد داشت و ارتباط تنگاتنگی را با علما در سراسر طول حیات خود حفظ کرده بود. ۵. بخش معاونت قانونی که ادعا می‌کند با کمک تعدادی از همفکران و روشنفکران که دغدغه حقوق و قانون را دارند، خود را موظف در حفظ حدود و حقوق اعضای موسسه آزادی می‌دیدند. مؤسسه ادعا می‌کرد پرونده‌های قضایی مشترکان یا حتی دیگران در سراسر کشور را به‌طور رایگان پیگیری قضایی می‌کند.

ابتنای این مطالعه بر مفاهیم و مقالات این نشریه در کنار دیگر اسناد، نوشته‌ها و نمایش‌نامه‌های وی صورت پذیرفته است. متأسفانه نشریه در دوره حکومت پهلوی اول یا نشر پیدا نکرده است یا تا به اکنون یافت نشده‌اند. با سقوط پهلوی اول و ایجاد فضای باز سیاسی دهه بیست شمسی، شماره‌های جدید نامه آزاد منتشر گردید و در این شماره‌ها خبر از تأسیس حزب خدا می‌دهد، که توسط آزاد و همفکرانش در دو نشریه دیگر، برای رساتر کردن صدای نشریه و افکارشان ایجاد گردید. ۱. پس از طرح اصلاحات ارضی اعلامی از سوی دستگاه حاکمه در دهه چهل شمسی، وی در شهرستان‌های گرمسار و سمنان بنگاه

فلاحتی^۱ را تأسیس می‌کند و اعمال خیرخواهانه از جمله ایجاد قرائت‌خانه از وی به ثبت رسیده است. آخرین نوشته‌ها و اثری از نام وی مربوط به دهه پنجاه شمسی است. به نظر می‌رسد پیش از انقلاب اسلامی دار فانی را وداع گفته باشد.

۲. زمینه‌های تاریخی و ریشه‌های فکری

شرایط اجتماعی و سیاسی ایران پسا مشروطه علی‌رغم دستاوردهای نهان و پیدای آن، بسیار نابسامان گزارش شده است. شورش‌های محلی و ایلاتی در تمام نقاط کشور و شرارت آن‌ها، طمع و دخالت کشورهای استعمارگر در امور این شورشگران حکومت قاجاریه را با بحران مرکبی مواجه کرده بود که طیف وسیعی از روشنفکران و حتی توده مردم به بهبودی اوضاع امید چندانی نداشتند و این «تیره‌ترین دوران تاریخ ایران» (غنی، ۱۳۷۷: ۲۹) را «خراب‌تر از دوره استبداد» (شفق سرخ، ۱۳۴۰: ۱) قلمداد می‌کردند. اندیشه ناسیونالیسم لیبرال که در پیش از مشروطه در پی آزادی، آگاهی بخشی، دموکراسی و حکومت قانون بود، جای خود را به ناسیونالیسم تجددخواهی داد که رویکرد آن تجدد آمرانه و اصلاحات از بالا بود. الگوی تجدد آمرانه این بود که توده مردم در این شرایط خاص تاریخی به واسطه جهل مصالح خود را تشخیص نمی‌دهند و شیوه رسیدن به آن را نیز نمی‌شناسند. بر این اساس، هدایت آن‌ها به مسیر نوگرایی به وسیله نخبگان سیاسی و نظامی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد (انتخابی، ۱۳۷۱: ۲۶). به این معنا که الزاماً یک دولت مقتدر را برای نوسازی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تجویز می‌کرد. توجه متفکران این اندیشه هم این بود که بین اصل قدرت و اصل پیشرفت رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

جریان روشنفکری و اندیشه‌های تجدد در بستر تحولات جوامع غربی شکل گرفت. ویژگی‌ها و رویکردهای نظری آن با محیط شکل‌گیری آن همگونی قوی داشت. این اندیشه، به تدریج در جوامع نفوذ کرد و کوشیده شد تا با باورهای شرایط و محیط جدید همگام گردد. طبیعی است در ابتدا درک و دریافت جامع و یکدستی از آن در ایران صورت

۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۰۹۴۲.

نگرفت و به همین دلیل در آرای روشنفکران ایرانی سطوح مختلفی از آن درک و دریافت می‌شد (یادگاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۴-۲). در این دوره روشنفکر نوگرا کسی است انتقادی‌اندیش، متعهد، دارای دغدغه و تلاش در داشتن نقش و کارکرد روشنگرانه است و معمولاً با ویژگی‌هایی از جمله زمان‌شناسی، دردشناسی اجتماعی، خودآگاهی طبقاتی و ملی... همراه است (سرپرست سادات، ۱۳۹۳: ۳۲).

اندیشه تجدد در ایران، همچنان که از دریافت غربی آن برمی‌آید، در حقیقت تلاشی از سوی متفکران و نضج آن در میان طبقه متوسط جدید در راستای تصویر آینده‌ای همگام با ملل متمدنی بود. متفکران جریان ناسیونالیسم لیبرال می‌توان به فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم‌خان، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله و میرزا محمدعلی‌خان نصرت‌السلطان و دیگران اشاره کرد. این نحله فکری با تأکید به چهره نخست مدرنیته یعنی دموکراسی، راه خود را از سایر گرایش‌های مدرن جدا می‌ساخت. روشنفکران این نحله فکری نظام سلطنت مشروطه را تنها سبب اتحاد ملی و نماد تاریخ و هویت کشور می‌شناختند (رهبری، ۱۳۸۶: ۶۱) و معتقد بودند امور مملکت باید توسط مردم و احزاب در چارچوب منافع ملی مدیریت گردد. از این رو، جامعه برای پیشرفت، نیازمند آزادی بیان، فعالیت مطبوعات، رقابت میان گروه‌ها و احزاب سیاسی و... است (همان: ۶۲). از میان این متفکران، تحقیقاً می‌توان اذعان کرد که آخوندزاده و مستشارالدوله به‌عنوان مهم‌ترین اسلاف فکری و اندیشگی افراسیاب آزاد بودند. آخوندزاده، مبلغ فلسفه ناسیونالیسم جدید، مروج اصول مشروطه و نماینده تفکیک مطلق سیاست از شریعت بود (آخوندزاده، ۱۳۴۹: ۱۵۴). افراسیاب آزاد این مؤلفه اخیر را نه تنها نمی‌پذیرفت، بلکه حتی التجای به آن را در پیشبرد اهداف مشروطه کارساز می‌دید. ۱.

۲-۱. ملی‌گرایی

یکی از مؤلفه‌های اصلی تجددخواهی آزاد، هویت‌یابی از طریق آرمان ملی‌گرایی و باستان‌ستایی بود. باستان‌گرایی و ناسیونالیسم باستان‌گرا زاینده شرق‌شناسی و ایران‌شناسی و القای قوم‌نگاری رایج در غرب بود که به اقتضای خاص اروپا، پس از انقلاب فرانسه و فتوحات

ناپلئون تکوین یافت (اوحدی و رجبعلی، ۱۳۹۴: ۸۶۷). نگاه نامه آزاد به تاریخ ایران باستان نگاهی فرهنگی و هویت محور بود. از این جهت، با نشریات هم عصر خود هم راستا بود. تحلیل محتوای این نشریات نشان می دهد که شناخت فرهنگ و تمدن کهن ایران را موجب آشنایی ایرانیان با منزلت و جایگاه خود در گذشته می دیدند و این امر زمینه های فرهنگی و اجتماعی لازم را برای ترقی و پیشرفت ایران و احیای دوباره عظمت دیرین و خودباوری نسبت به آن را فراهم می کرد.

رهیافت به ناسیونالیسم نه تنها در جهت هدف ضد استثماری امپریالیست ها (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۸۰) بلکه در جهت هویت یابی و اندیشه آگاهی ملی از طریق یادآوری دوران شکوه گذشته به عنوان نیروی محرک خودباوری و بازگشت به خویشتن مطرح بود. بازگشت به خویشتن نزد سید جمال الدین اسدآبادی و جلال آل احمد نیز به عنوان بحث بازسازی تفکر دینی مطرح بود. این رویکرد راه چاره را در بازگشت به خویشتن و اخذ جنبه های مثبت تمدن غرب و رد جنبه های منفی استعمار می دید (مهدی پور، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۹). این مقوله، دقیقاً در نشریات افراسیاب آزاد با جلوه ها و سطوح متفاوتی ارائه شده است که همه در راستای ایجاد وفاداری و نشر نوعی وطن دوستی (اسلامی) اقوام مختلف ایران و تلاش برای نمایاندن مفاهیم مشترک آن ها در راستای بیدار کردن حس مشترک نژادی و هویتی مردم بود تا با یاری هم در سرنوشت خود مؤثر آیند. افراسیاب آزاد در نامه آزاد مفهوم «درد ملی» را به کار می برد و از صاحبان قلم و متفکران می خواهد در مورد شرایط روز کشور، چندپارگی و کشاکش عجیب سال های پس از جنگ جهانی اول درد یابی کنند و شرایط برون رفت کشور از این موقعیت را پیشنهاد دهند. جالب آن که برای آن کسانی که مسئله به خوبی دریافته و راه حل ارائه دهند، جایزه تعیین کرد. در دیدگاه وی، ملی گرایی هم خاصیت ترک مخاصمه های داخلی و پیوند محکم اقوام در برابر فتنه های داخلی و تفرقه آرای احزاب را داشت و هم می بایست برای جبران عقده فروخورده ایرانی در مقابل استعمار بیگانه در انحاء مختلف آن عرض اندام کند. پیش از افراسیاب آزاد، حسین کاظم زاده در

مجله/یرانشهر مفهوم «روح ملی» را در شکل دیگری در مقاله‌ای با عنوان «ملیت و روح ملی» به کار می‌برد و از آن به عنوان مجموعه خصائص روحی یک ملت که او را از سایر ملت‌های دیگر جدا می‌کند ... توصیف می‌کند (کاظم‌زاده، سال دوم، ش ۴: ۱۹۷). در واقع کاظم‌زاده هم از این مفهوم به نوعی برای دمیدن روح خودباوری استفاده می‌کند: «ملت امروز ایران، ملتی محروم از یک نقطه استناد، محروم از یک محرک اجتماعی و محروم از یک هدف آمل ملی و محروم از یک رگ غیرت ملی است» (همان: ۷۳). تأکید یرانشهر بر عقده‌های زیاد ایرانیان در مقابل استعمارگران با عنوان «بی‌همه‌چیزی» (همان: ۷۴) ایرانیان هم ناظر بر «بحران هویت» آن عصر جامعه ایران بود.

آزاد، هم‌صدا با آقاخان کرمانی در ترویج اندیشه ناسیونالیسم، که آدمیت وی را «بزرگ‌ترین اندیشه‌گر ناسیونالیسم» (آدمیت، ۱۳۵۷: ۱) می‌نامد، ملی‌گرایی را درمان ریشه‌ای بسیاری از دردها می‌شناسد و مفهوم درد ملی را استفاده می‌کند که به معنای دور شدن ایرانیان از گذشته باشکوه خود و دچار شدن به «دیگری باوری» است. انسان ایرانی، انسانی است که دچار ازخودبیگانگی گشته و باید با القای انگاره‌ها و اندیشه‌های برآمده از ایران باستان (رضایی‌پناه و ایزدی، ۱۳۹۲: ۵۰-۴۸) و حتی دوره ورود اسلام به ایران، باید وطن را از نوساخت و معنا کرد. ملی جلوه دادن مشکلات و عقب‌افتادگی‌ها در آرای آزاد بسیار هوشمندانه و مطابق با انگاره‌های تجدد و ایجاد شرایط تحرک اجتماعی بود. دمیدن در روح ملی‌گرایی، بدون ورود به اختلافات قومی و نژادی و مذهبی به واقع زمینه‌سازی برای تحرک و پویایی جامعه و کمک در خودباوری آن‌ها با تکیه بر ناسیونالیسم باستان‌گرا - در ادامه - اقتدارگرا بود. روشنفکران ناسیونالیست به نقد و تحلیل از دیدگاه ایرانیان کهن می‌پرداختند، ولی پیرامون انسان، جامعه و تاریخ و نسبت آن با جهان جدید نپرداختند و تنها به تجلیل از گذشته و تصحیح و ترجمه آثار به‌جامانده اکتفا کردند. به واقع، ایرانیان از شناخت انتقادی

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۹/۳۳۸۱۳.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۹/۳۳۴۷۷.

فرهنگ کهن و تمدن و پی‌ریزی مبانی و موضع نظری جدید خود بازماندند (معظم‌پور، ۱۳۹۳: ۱۸۴).

تفاوت دیدگاه آزاد با دیگران در زمینه ملی‌گرایی، تأکید نکردن بر زشتی‌های فرهنگ‌های غیر ایرانی بود. وی با درک زمانه و آگاهی به اختلافات اندیشه‌ای، مذهبی، قومی در کشور تنها بر عناصری از ناسیونالیسم که در آن شرایط به اجماع اشتراکات قومی می‌انجامید، تأکید می‌کرد و مفهوم ملی‌گرایی را در حداکثر جاذبه آن به کار می‌بست و در لوای گفتگوی ملی‌گرایی و شناخت درد ملی، به جای رابطه ارباب‌ورعیتی میان حاکم و محکوم، به دنبال دولت و ملت ایرانی و آشنایی مردم با حقوق شهروندی بود.

۲-۲. ناسیونالیسم اقتدارگرا

رهیافت همفکران آزاد و اندیشه نوگرایی ایشان نه تنها به موضوعات زیربنایی، بلکه موضوعات روبنا و حتی سلطنت مطلقه تمرکز داشت. افتراق جامعه در زمینه‌های مختلف باعث استمرار حضور حکومت ضعیف قاجاریه، بخصوص در عرصه بین‌المللی گردیده بود. در دوره حضور رضاخان سردار سپه و سپس در زمان نخست‌وزیری و پیامدهای شرایط داخلی و بین‌المللی، گرایش جریان‌های نیرومند به وی بسیار گردید. «عده‌ای ملی‌گرایی و وطن‌خواهی را در سرمایه و اجناس، برخی در جهان‌وطنی و برخی دیگر بر استقلال در مقابل اغیار می‌بینند از اینان سید جمال افغان (احتمالاً منظور سید جمال‌الدین اسدآبادی) و سید جمال واعظ و ملک‌المتکلمین و نصراله‌خان مشیرالدوله ... هستند و بزرگ‌تر از همه اینان رضاخان سردار سپه را می‌شناسند» (نامه آزاد، سال اول، ش ۲: ۲). زمینه‌سازی نویسندگان و متفکرانی چون آزاد در بین توده مردم، شرایط را برای سردار سپه تثویز می‌کرد. در حقیقت، رضاخان و قدرتش را بدون آن‌که از خاندان حکومت‌گر باشد، مشروعیت می‌بخشیدند و قدرت وی را در راستای ناسیونالیسم اقتدارگرا تبلیغ می‌کردند. نشریه «نامه‌ی فرنگستان» که هم‌زمان با نامه آزاد به کوشش تعدادی از دانشجویان ایرانی مقیم برلین تأسیس و منتشر شد، بر این باور بودند که «دیکتاتور عالم، دیکتاتور ایده‌آل‌دار با هر قدم خود چندین سال سیر تکامل را پیش می‌برد» (انتخابی، ۱۳۷۳: ۹۲). به عقیده ایشان آرامش حاصله از

دوران سردار سپه و ترقی آینده ایران از بستر ناسیونالیسم اقتدارگرا و تجدد آمرانه می‌گذرد. ناسیونالیست‌های چون آزاد، عملی شدن اهداف متجددانه را در آن شرایط ناامن و بحرانی آستانه به قدرت رسیدن رضاخان را بدون حضور یک دولت مقتدر مرکزی ناممکن می‌دیدند. از این رو، یکی از مهم‌ترین وظایف چنین حکومتی را مهار و سرکوب نیروهای مرکز‌گرای و بسط اقتدار نظام سیاسی تعریف می‌کردند. تأمین امنیت می‌توانست هم نیروهای مخل نظم و حاکمیت مرکزی را به کنترل درآورد و هم شرایط را برای نوسازی اقتصادی و اجتماعی فراهم آورد. گرایش به تمرکز سیاسی و ضرورت حکومت مقتدر در افکار و اندیشه‌های بسیاری از نشریات و فضای مطبوعات و محافل روشنفکری غلبه داشت. این زمینه‌های فرهنگی، هم در استمرار استقرار سردار سپه و هم در حمایت از رسمی شدن انقراض دودمان قاجاری نقش ایفا کردند.

افراسیاب آزاد دریافتن درمان «درد ملی» جماعت ایرانی، تجدد آمرانه را «دوای ملت» می‌نامد. «ملت نظام می‌خواهد، عدالت می‌خواهد، آزادی می‌خواهد... ملت راه‌آهن می‌خواهد...» (نامه‌ی آزاد، سال اول، شماره ۵: ۱) و برای امنیت ملت و ثبات سیاسی «پرچم خوشبختی کشور را به دست نابغه ایران» (همان، شماره ۶: ۱) می‌دهد. این تعبیر از تجدد اگرچه به وسیله مطبوعات گوناگون و مجلات *ایران‌شهر*، *کاوه*، *نامه‌ی فرنگستان*، *شفق سرخ*، *آینده و نامه آزاد*... و روشنفکران و گروه‌های مختلف در حمایت از سردار سپه بیان می‌شد، ولی تفاوت‌های آن‌ها اندک بود و الگوی فکری همه آن‌ها به نسبت در یک جریان قرار داشت. تجدد و منطق ذاتی این اندیشه در آرای کسانی چون افراسیاب آزاد مجموعه‌ای از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود که پیدایش صنعت، زندگی شهرنشینی، ارتباطات، نظام آموزشی نوین و ارتش مدرن را شامل می‌شد. اندیشه ناسیونالیسم اقتدارگرای مطروحه در *نامه آزاد* چیزی غیر از متن عصر خویش نبود. طبعاً این اندیشه در استمرار با منافعی بود. منافعی از دید مؤلفان آن برای جامعه ایرانی. در حوزه سیاست نیز تجدد به معنای تأسیس حکومت مرکزی قدرتمند، ایجاد وحدت ملی و احزاب و سازمان‌های سیاسی تلقی می‌شد. در نگاه تقلیل‌گرایانه تجدد به برخی از مظاهر زندگی مدرن مانند راه‌آهن و بانک و پست... فروکاسته شده بود و از توجه به مبانی فکری آن غفلت شد (معظم‌پور، ۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۲۷).

در زمان سردار سپه شدن رضاخان و سپس نخست‌وزیری به تدریج وی نه با نیروی نظامی، بلکه با اندیشه متفکران و نشر عقاید ناسیونالیستی متجدد در میان ملت و پذیرش آن از سوی آحاد مردم مشروعیت قانونی به خود گرفت. تنوع و ضرورت کارکردی رژیم سیاسی، تغییرات در صورت‌بندی و الگوی روابط درونی روشنفکران سیاسی و سرانجام تغییر و تقلیل در مؤلفه‌های گفتمان سیاسی آن‌ها یا به عبارتی پیدایش گفتمان جدید، موجب تغییر در رفتار نخبگان اند (قیصری، ۱۳۸۸: ۲۲۶). در حقیقت، ناسیونالیسم اقتدارگرا در ادامه‌ی گفتمان پهلویسم و قدرت یافتن رضاخان در آمال اولیه متجددان پیش از مشروطه نبود و فقط در زمان سرخوردگی و تغییر در بینش روشنفکران پسا مشروطه و خلل در حکومت ولایات و شرایط پیش آمده بین‌المللی، زمینه حضور شخصی چون وی را ایجاد می‌کرد. بن‌بست در نوگرایی آزادی‌خواهانه و لیبرال منتج به تقلیل در تجددخواهی و پذیرش استبداد منور و دل بستن به تجدد آمرانه از بالا گردید. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که نسبت حاکمیت پهلوی اول و روی کار آمدن وی، نسبت معلول به علت است. زیرا آنچه مؤلفه‌های این جریان از روشنفکری دلالت به آن می‌داد و آن را می‌خواست، مدل حاکمیت رضاخان بود که در بین روشنفکران به «خودکامه نیکوکار» معرفی می‌گردد (اوحدی و رجبعلی، ۱۳۹۴: ۸۶۴). یکی از بازخوردهای زمینه‌سازی نثریاتی چون *آزاد و نامه‌ی فرنگستان* و *کاو* برای رضاخان و ایده ناسیونالیسم اقتدارگرا، حضور ایشان در حکومت و دولت‌های فرمایشی دوره پهلوی اول بود که مبدل به روشنفکران در خدمت دولت و جریان تاریخ‌نگاری رسمی قرار گرفتند. برخی از این متفکران و سیاسیون به اندیشمندان دولتی اُفول کردند که صرفاً فعالیت‌های دولت مستقر را شرح و وصف می‌کردند. در زمان انسداد سیاسی در دوره پهلوی اول و همراهی روشنفکران با وی منجر به ازدست‌رفتن مواضع اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار آنان در جامعه گردید (زاهدی و حیدرپور، ۱۳۸۷: ۱۳۶). ناسیونالیست‌های متجدد هیچ‌گاه به این نیندیشیدند که دولت اقتدارگرایی که از آن انتظار شکوفایی اقتصادی و اجتماعی را داشتند، ممکن است به خودکامگی گرایش یابد. هرچه این نهاد اندیشگی ضعف یافت، آرمان ناسیونالیسم اقتدارگرا هم‌رنگ باخت و به دیکتاتوری مطلقه نزدیک‌تر می‌گردید.

۳-۲. اتحاد ملی

مهم‌ترین واژه آزاد و همفکرانش تجزیه‌طلبی و فرقه‌گرایی بود که پس از مشروطه مشهود گشت و شرایط سیاسی پس از سقوط رضاشاه دوباره مهیا گشته بود. برخورد وی نسبت هر قومیت یا هر مسلکی که ذهنیت جدایی‌طلبی ایجاد می‌کرد، سخت‌گیرانه بود. کمونیسم و اعتقادات مربوط به آن، و لزوم «اتحاد ملت» مورد بحث نشریه *نامه آزاد* و سخنرانی‌های حزب خدا بود. تا زمانی که تصور می‌شد این مسلک صرفاً راهی برای نجات ضعفا در ایران است و در باطن خود خیال نیک داشتند، به آن حمله نمی‌شد. آزاد با اینکه معتقد بود این مرام از بی‌دینی منبث شده است، ولی بر آن‌هم نبودند پیروانش را طرد و تحقیر کنند (نامه آزاد، ۱۳۲۶: ۴). بنابراین، توصیه می‌کرد کشورهایی که با این مرام مخالفت دارند، باید ریشه ظلم را برکنند. بخصوص این که به نظر وی بیشتر کمونیست‌ها از حقوق حقه خود در اجتماع به دور بودند. ولی با اوج گرفتن قضیه دموکرات‌ها در شمال و شمال غرب کشور و اغتشاشات منسوب به حضور نیروهای شوروی در آنجا، موضع آزاد نیز تغییر کرد. با وجود آنکه آزاد از مخالفان سیاست‌های قوام‌السلطنه و دولت‌های وی بود، بعد از رفع غائله آذربایجان با تدابیر وی، به تحسین و دلجویی از وی در سخنرانی‌های حزب خدا برآمد و خود در پیشروی نیروها به سمت زنجان حضور داشت. «در زمان نجات زنجان از دست کمونیست‌ها، نمایندگان حزب خدا نیز آنجا بودند و قرآن به دست گرفته و در پیشاپیش نیروهای نظامی برای ملت ایران دعا می‌کردند (همان: ۶-۵). همین عمل افراسیاب آزاد و حسین مطیعی مدیر روزنامه کانون مورد طعن و لعن رادیو مسکو قرار گرفته بود. پس از رفع این غائله، حزب خدا نسبت به سپردن نفت شمال به شوروی بسیار ناراضی و معتقد بودند معادن و ذخایر نفت باید به وسیله ایرانیان استخراج گردد و با هرگونه امتیاز سپردن به بیگانگان شدیداً مخالف بود. حزب با هرگونه طرح امتیازات خارجی از طرف دولت به مجلس مخالفت می‌کرد و در این زمینه با دولت و شخص مصدق مکاتباتی ردوبدل شده بود.

یکی از مطبوعاتی که در زمینه وحدت و اتحاد مردم ایران مقالات مختلفی نشر می‌داد و در بین آحاد جامعه شناخته شده بود و نسبت به نشریه *نامه آزاد* تقدم فضل داشت، *مجله آینده*

محمود افشار یزدی بود. تأکید این مجله در مقالات خود بر مفهوم «وحدت ملی» (افشار، ۱۳۰۶: ۷۶۲) ابعاد مختلفی داشت. یکی از ابعاد آن، خطرهای سیاسی بود که ایران با آن مواجهه داشت. این مجله اولین خطر را از شمال ایران و از سوی شوروی می‌دید و تمامیت ارضی ایران را بسیار در خطر می‌دید. «وحدت ملی» محمود افشار شامل دو مفهوم بود: استقلال سیاسی و حفظ تمامیت ارضی ایران. البته یک توسعه معنایی در ابعاد دیگر پرداخته شده به آن در این مجله دیده می‌شود. افشار از وحدت ملی به معنای از بین رفتن تمامی تفاوت‌های فرهنگی موجود در ایران و نوعی «مشابه‌سازی فرهنگی» یا «یکسان‌سازی فرهنگی» می‌دید. به نوعی وحدت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی برای مردمی که در حدود امروز ایران اقامت دارند، می‌اندیشید. وحدتی ملی که ترقی را نیز وابسته به آن تعریف می‌کرد (معظم‌پور، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

در همایش‌ها و سخنرانی‌های حزب خدا از احزابی دیگر همچون حزب خورشید، حزب آزادی خلق و حزب مبارزه با دزدان نام‌برده می‌شود که در عقاید با همدیگر نزدیک و همگرا بودند. عمده این احزاب هر کدام در چارچوب گفتمان خود پیگیر اتحاد ملی و جلوگیری از تجزیه‌طلبی و دمیدن روح وطن‌پرستی بودند. شاه‌دوستی به‌واقع تبدیل به نمودی از اتحاد موردپذیرش و راهبردی علیه نهضت‌های مرکز‌گرای بود. «شاه‌دوستی»^۱ از مفاهیم و اشتراکات کلیدی این گروه‌های سیاسی اجتماعی در دوران اوج بحران‌های دهه بیست شمسی بود و آن را عمود خیمه ایران و فرهنگ ایرانی تعریف می‌کردند. در حقیقت، اندیشه این احزاب با استمداد از گفتمان باستان‌گرایی و شاه‌دوستی، تقابل با تهاجم شوروی و بریتانیا بود. ناگفته نماند آزاد از کسانی بودند که حضور و وجود شاه را در کشور تا زمانی که مبانی مذهبی و دینی ملت توهین نکند، موافق بودند. از همین روی نسبت به قوانین رضاشاه در باب حجاب یا مخالفت با روحانیون، موضع می‌گرفت (نامه آزاد، ۱۳۲۶: ۲). افراسیاب آزاد، اندیشه‌های متجددانه را در یک تحول‌خواهی همگام با سنت در آرای خود به کار می‌برد و لزوماً به دنبال حذف همه سنن قدیمی نبود و هم‌زمان با پذیرش انگاره جدید باستان‌ستایی، مذهب

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۹/۳۲۶۳۴ و نیز ۹۹۹/۳۲۶۳۹.

را هم پایگاه تحرک اجتماعی و همبستگی قومیت‌ها و به تبع آن اتحاد ملی در آن شرایط خاص سیاسی و اجتماعی دوره پسا مشروطه می‌دید.

۳. ادبیات نمایشی و سبک نوشتاری

ادبیات کهن ایران تا پیش از عصر نوحواهی و تجددطلبی، تحت تأثیر گفتمان منظوم، نثر رسمی و تخصصی و منشآت مغلق و پیچیده و رسائل دیوانی بود. یکی از اشکال مهم ادبیات داستانی که در فرهنگ و تمدن ایرانی سابقه‌ای بلند داشته، ولی در تاریخ معاصر ایران از فرهنگ و ادبیات عهد تجدد و نوحواهی جامعه اروپا تأثیرات فراوانی پذیرفت، نمایشنامه است. ادبیات بعد از مشروطیت تحت تأثیر افق‌های جدید و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدید، دامنه مخاطبانش را گسترش داد و به بستر اجتماعی جامعه و به میان مردم کوچه و بازار درآمد و در جهت‌دهی به اندیشه مردم ایران بسیار مورد توجه قرار داشتند.

افراسیاب آزاد بمانند متفکران و روشنفکران ناسیونالیسم متجدد آثار و نمایشنامه‌های زیادی منتسب به وی است که مؤلفه ملی‌گرایی و اتحاد ملی و موضوعات اجتماعی پیشروی ملت ایران بسیار مورد رجوع ایشان بوده است. اندیشه ترقی که فکر آزادی به همراه داشت، مستلزم گذراندن آن از صافی شعر و ادبیات و نمایش بود. نمایشنامه‌ها و ادبیات نمایشی افراسیاب آزاد عموماً رئالیستی از انحرافات اجتماعی، بدون تخریب و تحقیر گذشتگان بود. آزاد، به مانند فتحعلی آخوندزاده، سلف آزادی‌خواه روشنفکران دوره پهلوی، واقع‌بینانه معتقد بود زمانه تغییر یافته و ادبیات نیز متأثر از این تغییر است و نویسندگان باید آثار هنری تازه در قالب تازه بیافرینند که به مسائل روزگار خود پردازد و بیدارکننده اذهان و آینه نیک و بد، زشت و زیبای اجتماع خود باشند (یادگاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۵). آزاد از آغازگران نحله نمایش اخلاقی بود که نمایشنامه‌های بسیاری نوشت و بیشتر آن‌ها در معرض نمایش گذاشته شده‌اند (ملک‌پور، ۱۳۶۳: ۲۲۶-۲۲۵). برخی از نمایشنامه‌های آزاد به طور کامل یا پیوسته با آثار دیگر آزاد در گنجینه اسناد و آرشیو ملی ایران موجود هستند. نمایشنامه‌های

«جرئت و رشادت»^۱، «اوضاع قضایی یا خرابی عدلیه سابق»^۲، «گل و بلبل»^۳، «اشتباه در خواستگاری»^۴ از جمله نمایش‌نامه‌های اجتماعی وی هستند. بیش از سی نمایشنامه از وی شناخته شده است که تمام یا قسمتی از متن آن‌ها در دسترس قرار دارد. معارضه با فرهنگ منحط فئودالی و فساد اخلاقی، کج‌فهمی عوام ... در نمایش‌نامه‌های وی بارز است. دیگر نمایشنامه افراسیاب آزاد «نامه آزادیان: سربازی وطن افتخار دارد» (نامه آزادیان، ۱۳۳۳: ۱-۱۷) به دغدغه‌های ملی‌گرایانه جوانی ایرانی به نام فریدون که برای تحصیل به اروپا رفته است، می‌پردازد. این نمایشنامه در زمان آشفتگی‌های سیاسی پس از مشروطه و سال ۱۳۳۳ قمری به رشته تحریر درآمده است. آنچه به شدت ذهن و افکار فریدون را در پرده‌های مختلف این تئاتر به خود مشغول کرده است، حس وطن‌خواهی، استقلال و عزت ایران است (همان: ۳) که وظیفه خود را «علم‌آموزی در اروپا و تلاش در التیام مشکلات کشور می‌بیند. ملت ایران در مانده است و آرزوی خود را در بیداری ایرانیان و ترقی‌خواهی می‌بیند» (همان: ۳-۴). نمایشنامه این مفهوم را می‌پروراند که «ایران هیچ‌وقت از مردمان باغیرت و جنگی خالی نبوده است؛ صرفاً مدتی است مانند سایر ملل از خود و هویت گذشته‌اش غافل شده است که رفته‌رفته به خود خواهد آمد». یکی دیگر از مفاهیمی که به شکل داستانی بدان پرداخته موضع امنیت سیاسی و اقتصادی است که در آن زمان ایران فاقد آن بود و منتظر شخص باغیرت یا شرایطی است که این وضع را تغییر دهد (همان: ۱۲). تزریق اندیشه میهن‌پرستی، استقلال، عزت ملی و توجه به هویت گذشته ایرانیان در این برهه از تاریخ ایران تنها مُسکن آلام مردم شناخته می‌شود و از این طریق «روح ملی» را تقویت و به آینده امیدوار بودند. «قضا و قدر» نمایشنامه‌ای کم‌دی و اجتماعی است که از شرایط ناسالم و فساد اداری در مراکز مختلف پرده برمی‌دارد که چگونه شرایط استبدادی رویه بالا بردن و صاحب‌منصب

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۲۹۱۵/۹۹۹.
۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۲۸۵۳/۹۹۹.
۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۲۹۰۹/۹۹۹.
۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۲۸۵۳/۹۹۹.
۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۳۲۹۰۴/۹۹۹.

شدن اشخاص بی‌هنر و ناکاردان را مهیا و در تقدیر می‌بیند. نمایشنامه «اوضاع قضایی یا خرابی عدلیه سابق»^۱ به شرایط نابسامان عدلیه و گسترش رشوه‌خواری و بی‌پناهی مردم در برابر این نابرابری‌ها را به تصویر می‌کشد.

متأسفانه متن کامل نمایشنامه «احساسات جوانان ایرانی» در مراکز آرشیوی کشور یافت نشد. ولی در آگهی اجرای نمایش «احساسات جوانان ایرانی» در یکی از پرونده‌های آرشیو ملی^۲ مشخص شده است که در پرده اول نمایش به احساسات وطن‌پرستانه یک نفر تحصیل کرده ایرانی نسبت به عادات میهماناناش پرداخته می‌شود و در بین هر پرده نمایش در زمان تنفس، سخنرانی‌هایی از سوی خود افراسیاب آزاد و یا دیگر روشنفکران درباره شرایط کشور ارائه می‌شد. نمایشنامه «احساسات جوانان ایرانی»^۳ مقدمه پیدایی کم‌دی‌هایی که مضمون آن‌ها غرب‌زدگی بود، گردید. در این سبک چند اثر قابل توجه به وجود آمد که یکی از آن‌ها «جعفرخان از فرنگ آمده» اثر حسن مقدم را می‌توان نام برد (مددپور، ۱۳۷۳: ۲۹۶).

در دوره نخست‌وزیری سردار سپه و در ادامه دوره پهلوی اول، با اعمال سانسور و کنترل شدید حکومتی بر تماشاخانه‌ها، اجرای نمایشنامه‌های سیاسی، اجتماعی و انتقادی کم شد و جای خود را به نمایش‌نامه‌های اخلاقی داد. «سازمان پرورش افکار» در ترویج این‌گونه نمایش و جلوگیری از نمایش‌های انتقادی نقش عمده‌ای ایفا می‌کرد (همان: ۲۹۵). کسانی چون علی‌اکبر داور بسیاری از قلم‌به‌دستان و نویسندگان را بی‌سواد خطاب می‌کردند و «بی‌سوادی و هوچیگری مطبوعات جز خرابی و فساد نتیجه نمی‌دهد» (داور، ۱۳۴۱: ۱). نمایشنامه‌های اخلاقی گهگاه به مراتب از نمایشنامه‌های تاریخی تبلیغی رضاشاه، نسبت به حقیقت، دورتر می‌شد. نویسندگانی از جمله آزاد، قبل از به تخت نشستن رضاخان، وی را ملی‌گرا و نجات‌بخش می‌شناختند، با آشکار شدن استبداد رأی وی، حتی نمایشنامه‌ها و داستان‌ها رنگ استبداد به خود گرفت. به‌واقع، آزاد به‌عنوان یک خطیب واقع‌نگر و نه یک

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۹/۳۲۹۱۰.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۹/۳۲۳۰۲.

۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۹۹۹/۳۲۸۸۹.

مفسر آرمان‌گرا، به نوعی عدالت اجتماعی معتقد بود. خطیبی که در دوره مشروطه زبان آتشین آزادی خواهان بود، در دوره پهلوی اول به نمایشنامه‌نویس سیاست‌گریز مبدل گردید. گرایش به ساده‌نویسی و نزدیک شدن ادبیات به نوشتارهای محاوره‌ای که زبان توده و طبقات فرودست اجتماعی بوده در اشکال مختلف با مضامین جدید، عصری جدید در ادبیات معاصر ایران بشمار می‌رود که با جریان تحولات مشروطه و تجددخواهی پیوند ناگسستنی ایجاد نمود (صلاح و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۹۹-۱۹۸). از این رو، به‌عنوان «ادبیات عصر تجددخواهی و مشروطه» از آن یاد می‌شود. از این رو، بیراه نیست که در دوره نهضت مشروطه و پس از آن در عصر پهلوی، پایه‌پای «نهضت آزادی‌خواهی»، «نهضت ساده‌نویسی» رواج یافت و در انتشار و پرورش معانی نو‌گرایانه و متجدد نقش مهمی ایفا کرد. گسترش و تحول در سبک و محتوای فعالیت روزنامه‌نگاری و نمایشنامه‌نویسی به اقشار کم‌سواد و حتی بی‌سواد کمک کرد که با حقوق فردی و اجتماعی خود آشنا شوند (شبستری و دیزجی، ۱۳۸۹: ۲۵۸). نشریه‌ها و ادبیات نمایشی برجای مانده از آزاد، مهم‌ترین دغدغه‌های خود را همین ارتباط با توده‌های مختلف و پرورش این اندیشه‌ها در بین مردم بودند که نور امید و تحول را از وضعیت موجود زمانه در دیدگان و دل آن‌ها روشن کنند.

تحلیل محتوای اسنادی نوشته‌ها و مطبوعات و نمایش‌نامه‌های افراسیاب آزاد نشان می‌دهد پربسامدترین مفاهیم به‌کاررفته، مفاهیمی چون وطن‌پرستی، ترقی، هویت، دانش، اسلام، شیعه، آزادی، مشروطیت، قانون، اتحاد، ملی‌گرایی ... بودند و در مقابل به نفی و سرزنش مفاهیمی چون بدبختی، فقر، عقب‌افتادگی، استبداد، وطن‌فروشی، فساد، تهاجم، تفرقه، دموکرات‌ها ... می‌پرداخت.

نتیجه

مورخ اندیشه، کردار و آرای مؤلفان را بررسی و آن را با دیگر متفکران عصر می‌سنجد و به دنبال پاسخ به این ابهامات است که این اندیشه از کجا آمده و ریشه‌اش از کجاست و چه شأنی در بین نظریات دارد. البته، باید به جایگاه و زمانه‌ای که این متون در آن نشر یافته‌اند، توجه کرد.

ناسیونالیسم تجددخواه اساساً مخلوق دستگاه فکری روشنفکرانی بود که هم در خلق حکومت رضاخانی نقش داشتند و هم در ادامه به تقویت این رویکرد انجامید. افراسیاب آزاد در آثار و نشریات به‌عنوان خطیب، آزادی‌خواه و تجددخواه عصر پسا مشروطه که در ادامه نویسنده، وکیل و نماینده‌نویس ژانر سیاسی و اجتماعی معرفی می‌گردید. وی اندیشه‌های تجددخواهی را در تحول‌خواهی همگام با سنت در آرای خود به کار می‌برد و به شکلی از نوگرایی معتدل یا تقلیلی معتقد بود که هم‌زمان با پذیرش انگاره‌های جدید باستان‌ستایی و ملی‌گرایی، مذهب را هم پایگاه تحرک اجتماعی و همبستگی قومیت‌ها در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی دوره پسا مشروطه می‌دید. این رویکرد را در خدمت ناسیونالیسم اقتدارگرا در سطح روبنای حکومت و اتحاد ملی اقوام و مذاهب در سطح مردم و فرودستان تفسیر و تبلیغ می‌کردند تا مشروعیت یابد. به تدریج انگاره‌های متجددانه در آرا و آثار وی و همفکرانش استحاله یافت و با استقرار پهلوی اول صرفاً به توصیف و تئوریزه کردن شرایط موجود و ناکامی عناصر اولیه می‌پرداخت. تقلیل و دگردیسی در این اندیشه‌ها و همراهی با حکومت پهلوی اول از سوی افراسیاب آزاد در زمان انسداد سیاسی و اندیشگی عصر رضاشاهی، وی را مبدل به مبلغ گفتمان رسمی حکومت گرداند و به ازدست‌رفتن پایگاه اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار وی و افول نقشش در جامعه واضعان اندیشه نو گردید.

با تحلیل محتوای آثار و نوشته‌های برجای مانده از افراسیاب آزاد، می‌توان دریافت که سیر تحولات زندگی و شخصیتی وی از جوانی تا کهن‌سالی متأثر از وقایع عصر بود و به تدریج از یک خطیب، آزادی‌خواه پرشور و واضح اندیشه نوگرا، مبدل به مصلح محتاط پیرو گفتمان پس از سقوط رضاشاه پهلوی گردید. تغییر از هویتی اصلاح‌طلبانه و تجددخواه به هویتی در خدمت گفتمان رسمی. حامی استقرار دولت مقتدر ملی، نقد محدود برخی اعمال پهلوی اول، توصیف و ستایش اعمال شاه جوان در راستای اتحاد ملی، تقرب به علمای طراز اول مذهبی از جمله آیت‌الله بروجردی و جذب ایشان در وابستگی قومیت‌ها، ضدیت با دموکرات‌ها و در ادامه ضدیت با توسعه‌طلبی ایدئولوژیک شوروی.

منابع

فارسی

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نی.
- آخوندزاده، میرزافتحعلی (۱۳۴۹). *تمثیلات*. بکوشش میرزا جعفر قره‌داغی. تهران: اندیشه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۷). *فکر اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*. تهران: پیام.
- (۱۳۴۰). *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*. تهران: سخن.
- افشار، محمود (۱۳۰۶). *خطرهای سیاسی، آینده*. ج. ۲. شماره ۱۱. اسفندماه.
- (۱۳۰۴). *آغاز نامه، آینده*. سال اول، شماره اول.
- انتخابی، نادر. (۱۳۷۳). *نامه‌فرنگستان و مسئله تجدد آمرانه در ایران*. نگاه نو، شماره ۲۱.
- اوحدی، پروین دخت و حاجی رجبعلی، کاظم (۱۳۹۴). *بسترسازی گفتمانی در سیاست فرهنگی پهلوی اول، سیاست، دوره ۴۵، شماره ۴*. نوبت زمستان. صص ۸۷۶-۸۵۹.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۴۰ ق). *اصلاحات سیاسی و اصلاحات فوری*. کاوه، شماره ۱.
- (۱۳۳۹ ق). *نکات و ملاحظات*. کاوه، شماره ۴.
- تولی، جیمز (۱۳۸۳). *روش شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی*. ترجمه غلامرضا و بهروز لک. *دانشگاه باقرالعلوم (ع)*. نوبت زمستان، شماره ۲۸. صص ۵۷ تا ۸۴.
- جبارلوی شبستری، بهرام و نوزاددیزجی، نازیلا (۱۳۸۹). *مطبوعات و روزنامه‌نگاری در دوران انقلاب مشروطه و اثر آن بر شیوه نگارش، اطلاعات سیاسی اقتصادی*. شماره ۲۷۸-۲۷۷. صص ۲۶۱-۲۵۲.
- حاتمی، امیرحسین (۱۳۹۸). *کاربست روش‌شناسی اسکینر در تفسیر متون تاریخ‌نگاری و تاریخ اندیشه ایرانی-اسلامی، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، شماره ۱۲. صص ۵۴-۲۹.
- دشتی، علی (۱۳۴۰ ق). *دولت یا ملت، کدام مقصردند؟، شفق سرخ*. شماره ۱۳، ماه شعبان.

- رضایی پناه، امیر و ایزدی، رجب (۱۳۹۲). ریشه‌یابی گفتمان پهلوی یکم در آرای متجددین عصر مشروطه، جستارهای تاریخی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۳۵-۶۸.
- روشن، امیر (۱۳۸۷). کوئنتین اسکینر و هرمنوتیک قصدگرا در اندیشه سیاسی، رهیافت سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۴. نوبت تابستان. شماره ۱۴، صص ۱۱-۳۵.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۶). متجددان ایرانی و تجدد در عصر مشروطه. بررسی ریشه‌های پیدایش جدال فکری در ایران جدید، مطالعات ملی. سال هشتم. شماره ۴. صص ۵۵-۷۷.
- زاهدی، محمدجواد و حیدرپور، محمد (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انزوای روشنفکران (نقد کنش‌های روشنفکران عصر مشروطه تا پایان سلطنت پهلوی اول)، جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم. شماره ۱ و ۲. صص ۱۶۴-۱۲۷.
- ساماران، شارل (۱۳۷۰). روش‌های پژوهش در تاریخ (ابوالقاسم بیگناه و مهدی علایی و دیگران). ج ۲، چ ۱، مشهد: آستان قدس.
- سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۳). تطورات فهم روشنفکران ایرانی از سنت بحران، سنت و خودآگاهی روشنفکری، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم. شماره ۱۱. نوبت زمستان. ۳۱-۵۶.
- شیری، طهمورث و عظیمی، ندا (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای تحلیل محتوای کیفی و روش هرمنوتیک، مطالعات جامعه‌شناسی. دوره چهارم شماره ۱۵، صص ۷۹-۹۹.
- صلاح، مهدی و دیگران (۱۳۹۸). تجددخواهی در اندیشه محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی. تجدد، ادب و سیاست، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. شماره ۲۴. نوبت بهار و تابستان. صص ۱۷۹-۲۱۰.
- غنی، سیروس (۱۳۷۷). ایران: برآمدن رضاخان برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، (حسن کامشاد). تهران: انتشارات نیلوفر.
- فرانکفورد، چاوا و نجمیاس، دیوید (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، (فاضل لارجانی و رضا فاضلی). چ ۱. تهران: نشر سروش.

قیصری، نوراله (۱۳۸۸). *نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دوره قاجار*. تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۲۹۲). *معارف و معارف پروران ایران*. *ایرانشهر*. سال دوم شماره ۴.

کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۲۹۲). *ملیت و روح ملی ایران*. *ایرانشهر*. سال دوم شماره ۴.
مددپور، محمد (۱۳۷۳). *تجدد و دین‌زدایی*. تهران: نشر دانشگاه شاهد.
معظم‌پور، اسماعیل (۱۳۸۳). *نقد و بررسی ناسیونالیسم تجدیدخواه در عصر رضاشاه*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مک‌فارلند، استیفن (۱۳۸۳). *کالبدشکافی یک تجمع سیاسی در ایران: بلوای نان در آذر*
۱۳۲۱ شمسی در تهران، تاریخ معاصر. شماره ۳۱، صص ۱۰۱-۸۲.
ملک‌پور، جمشید (۱۳۶۳). *ادبیات نمایشی در ایران*. ج ۱. تهران: نشر توس.
مهدی‌پور، فرشاد (۱۳۹۳). *گونه‌شناسی جریان‌شناسی‌های فکری-فرهنگی در ایران معاصر، دین و سیاست فرهنگی*. شماره دوم. صص ۳۰-۷.
یادگاری، سمانه و دیگران (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی آثار سیاسی-ادبی روشنفکران مشروطه با عصر پهلوی اول (مطالعه موردی کسروی و آخوندزاده)*. مقاله کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.

اسناد

سامانه نشریات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (سنا)، نامه آزاد، سال اول، شماره اول.
سامانه نشریات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (سنا)، نامه آزاد، سال اول، شماره دوم.
سامانه نشریات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (سنا)، نامه آزاد، سال اول، شماره سوم.
سامانه نشریات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (سنا)، نامه آزاد، سال اول، شماره چهارم.
سامانه نشریات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (سنا)، نامه آزاد، ۱۳۲۶ شمسی، شماره ویژه.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۹۱۵.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۹۰۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۹۰۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۹۱۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۳۰۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۶۳۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۳۴۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۵۷۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۸۵۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۸۸۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۲۷۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۳۸۱۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۳۴۷۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۲۶۳۹.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)، شماره سند: ۱۳۰۹۴۲.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، نامه آزادیان، ۱۳۳۳ق: ۱۱۷۸۷۶۲.

Translated References into English

- Abrahamian, Yervand. (1389). *Iran between two revolutions*. Translated by Ahmed Gol-Mohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi-Valilai, Tehran: Ni. [In Persian]
- Akhundzadeh, Mirza Fateh Ali. (1349). *Parables*. Try it, Mirza Jafar Qaradaghi. Tehran: Andisheh. [In Persian]
- Adamiat, Fereydon. (1357). *Social thought in Iran's constitutional movement*. Tehran: Payam. [In Persian]
- .(1340). *The idea of freedom and the introduction of the constitutional movement*. Tehran: Sokhn. [In Persian]

- Afshar, Mahmoud. (1306). "Political dangers" of the *Ayande*. C2. Number 11. March. [In Persian]
- (1304). "Introduction", *The Ayande*. First year, first issue. [In Persian]
- Dashti, Ali. (1340. AH). "The government or the nation, which is to blame?" *Shafaq Sorkh* Number 13, the month of Sha'ban. [In Persian]
- Frankford, Chava and Nechmias, David. (2010). *Research methods in social sciences*, (Fazel Larjani and Reza Fazeli). Ch1. Tehran: Soroush Publishing. [In Persian]
- Ghani, Cyrus. (1377). *Iran: the rise of Reza Khan, the rise of the Qajar and the role of the English*. (Hasan Kamshad). Tehran: Nilufar Publications. [In Persian]
- Ghayseri, Nouraleh. (2008). *Elites and the evolution of political culture in Iran during the Qajar period*. Tehran: Publishing Center of Islamic Revolution Documents. [In Persian]
- Hatami, Amirhossein. (2018). "The Application of Skinner's Methodology in the Interpretation of Historiographical Texts and the History of Iranian-Islamic Thought" *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, No. 12, pp. 29-54. [In Persian]
- Jabarlovi-Shabstri, Bahram and Nozaddizji, Nazila. (1389). "Press and journalism during the constitutional revolution and its effect on the style of writing". *Journal of political and economic information*. No. 278-277. pp. 261-252. [In Persian]
- Kazem-zadeh Iranshahr, Hossein. (1292). "Knowledge and education of Iran". *Iranshahr*. Second year number 4. [In Persian]
- Kazem-zadeh Iranshahr, Hossein. (1292). "Nationality and national spirit of Iran". *Iranshahr*. Second year number 4. [In Persian]
- Library, Museum and Records Center of the Islamic Council (Kemam), Nameh Azadiyan, 1333 AH: 1178762. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32915. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32909. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32904. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32910. [In Persian]

- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 32302/999. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32634. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 32347/999. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 32571/999. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32853. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32889. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32273. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/33813. [In Persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), retrieval number 999/33477. [In Persian]
- Maddpour, Mohammad. (1373). *Modernization and secularization*. Tehran: Shahid University Press. [In Persian]
- Mehdipour, Farshad. (2014). "Typology of intellectual-cultural trends in contemporary Iran". *Religion and Cultural Policy Quarterly*. Second Issue. pp. 7-30. [In Persian]
- Malekpur, Jamshid. (1363). *Dramatic literature in Iran*. C1. Tehran: Tos publishing house. [In Persian]
- McFarland, Stephen. (2004). "An autopsy of a political gathering in Iran: the bread riot in Azar 1321 in Tehran" *Contemporary History Quarterly*. No. 31, pp. 101-82. [In Persian]
- Moazampour, Ismail. (1383). *Criticism of modernist nationalism in the era of Reza Shah*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian]
- Ohadi, Parvin Dokht and Haji Rajabali, Kazem. (2014). "Discourse formation in the cultural policy of the first Pahlavi" *Political Quarterly*, Volume 45, Number 4. turn of winter pp. 876-859. [In Persian]
- Organization of Documents and National Library of Iran (SAKMA), retrieval number 999/32639. [In Persian]
- Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan Quds Razavi (Sakmaq), document number: 130942. [In Persian]

- Publication system of the National Library of the Islamic Republic of Iran (Sena), Azad Letter, 1st year, 1st issue. [In Persian]
- Publication system of the National Library of the Islamic Republic of Iran (Sena), Azad Letter, first year, second issue. [In Persian]
- Publication system of the National Library of the Islamic Republic of Iran (Sena), Azad Letter, 1st year, 3rd issue. [In Persian]
- Publication system of the National Library of the Islamic Republic of Iran (Sena), Azad Letter, 1st year, 4th issue. [In Persian]
- Publication system of the National Library of the Islamic Republic of Iran (Sena), Azad Letter, 1326 Shamsi, special issue. [In Persian]
- Rahbari, Mehdi. (2006). "Iranian modernists and modernism in the constitutional era. Investigating the origins of intellectual conflict in modern Iran". *National Studies Quarterly*. eighth year No. 4. pp. 55-77. [In Persian]
- Rezai-Panah, Amir and Izadi, Rajab. (2012). "Finding the roots of the first Pahlavi discourse in the opinions of the modernists of the constitutional era". Historical essays. *Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies*, 4th year, 2nd issue, pp. 35-68. [In Persian]
- Roshan, Amir. (2008). "Quentin Skinner and intentionalist hermeneutics in political thought". *Political and international approach*. Number 14. The turn of summer. No. 14, pp. 11-35. [In Persian]
- Sadat's Sarparast, Seyed Ebrahim. (2014). "Developments in Iranian intellectuals' understanding of the tradition of crisis, tradition and intellectual self-awareness". *Strategic Policy Research Quarterly*, third year. Number 11. The turn of winter. 31-56. [In Persian]
- Samaran, Charles. (1370). *Research methods in history*. (Abulqasem Baignah and Mehdi Alaei and others). Volume 2, Chapter 1, Mashhad: Astan Quds. [In Persian]
- Salah, Mehdi and others. (2018). "Modernism in the thought of Mohammad Baqer Mirza Khosravi of Kermanshahi. Modernity, literature and politics", *historical studies of Iran and Islam*. Number 24. The turn of spring and summer. pp. 179-210. [In Persian]
- Selective, rare. (1373). "Namah Farangistan and the problem of authoritarian modernization in Iran". *Negah No*, No. 21. [In Persian]

- Shiri, Tahmworth and Azimi, Neda. (2016) "Comparative study of qualitative content analysis and hermeneutic method". *Sociological studies*. Fourth period, number 15, pp. 79-99. [In Persian]
- Taghi-zadeh, Seyyed Hasan. (1340. AH). "Political reforms and urgent reforms". *Kaveh*, number 1. [In Persian]
- (1339. AH). "Tips and Considerations". *Kaveh*, number 4. [In Persian]
- Tully, James. (2004). "Skinner's methodology in the analysis of political thought". Translated by Gholamreza and Behruzlek. *Bagher al Uloom University (AS)*. The turn of winter, number 28, pp. 57 to 84. [In Persian]
- Yadegari, Samaneh and others. (2015). "Comparative study of political-literary works of constitutional intellectuals with the first Pahlavi era (case study of Kasravi and Akhundzadeh)". *The paper of the international research conference in science and technology*. [In Persian]
- Zahedi, Mohammad Javad and Heydarpour, Mohammad. (2007). "Sociology of Isolation of Intellectuals. (Criticism of intellectuals' actions during the constitutional era until the end of Pahlavi's first reign)". *Iranian Journal of Sociology*. 9th period. Number 1 and 2. pp. 127-164. [In Persian]

استناد به این مقاله: احمدزاده، محمد امیر و برادرشاد، فرهاد. (۱۴۰۲). ناسیونالیسم در اندیشه و آثار افراسیاب آزاد. *دولت پژوهی*، ۹(۳۵)، ۲۹۰-۲۵۹. doi: 10.22054/tssq.2023.65592.1196



The *State Studies Quarterly* is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.